



۲۰۱۶/۰۵/۰۴



عزیز رکبن

معرفی کتاب ک ج ب در افغانستان

ک ج ب در افغانستان، نام کتابی است که به وسیله واسیلی میتروخین، ضابط اسناد در آرشیف ک ج ب، نوشته شده، این کتاب پیرامون فعالیتهای سازمان ک ج ب در افغانستان بین سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۳، معلومات ارائه می نماید، که توسط مؤسسه تاریخ جهانی جنگ سرد به طبع رسیده است. احمد ضیاء رهگذر آنرا از انگلیسی به دری ترجمه نموده است. بقول "مؤلف":

«بخش افغانستان بر اساس معلومات بدست آمده از ک ج ب بنا یافته، معلومات از سایر مراجع و منابع در آن بخش گنجانبده نشده است».

در این کتاب فعالیت های ک ج ب و جواسیس افغانی در خدمت ک ج ب از آغاز سال ۱۹۵۰ الی ۱۹۸۰ بیان شده است، و پرده از نقاب مهره های فعال ک ج ب، در افغانستان برمیدارد. و از رابطه نزدیک آنها باک ج ب به ما میگوید. یادداشت های میتروخین تأیید کننده این واقعیت نیز میباشد که ک ج ب حتی قبل از کودتای هفت ثور در افغانستان فعال بوده و توسط همین افراد فعالیت داشته است".

میتروخینمیگوید:

«ک ج ب در سیاست شوروی سابق در قبال افغانستان از همان آغاز عمیقاً دخیل بوده و تعداد گماشتگان آن سازمان به صد ها نفر میرسد که ساحة فعالیت آنها، تنها بداخل افغانستان محدود نگردیده بلکه کشورهای همسایه مانند ایران و پاکستان را نیز در بر می گرفت. دولت سردار محمد داؤد ۱۹۷۳-۱۹۷۸ روابط نزدیکی با اتحاد شوروی داشت و چندین تن از وزیران محمد داؤد اعضای ک ج ب بودند».

نور محمد تره کی (اسم اجنتی آن نور) بود. تره کی در سال ۱۹۵۱ به صفت اجنت گماشته شد و با افراد ذیل که همه اعضای (ریزدنسی) (۱) در کابل بودند در تماس بود:

A.V.Petrov, Kozyrev, Kostromin, Spiridnov, Fedoseev, kozlov, Sagadiev

اجنت دیگر ببرک کارمل (اسم رمزی اش: مرید) بود. کارمل از سال ۱۹۵۷ در خدمت "ک ج ب" بود. (در پایان سال ۱۹۶۲ تره کی و کارمل شخصاً با یگدیگر آشنا شدند) هر دو جاسوس باهم معرفی شدند. (هر دو وطن فروش

^۱ - ریزد نسی: به آن دسته از جاسوسان "کجب" گفته میشود که در چوکات سفارت شوروی در افغانستان فعالیت میکردند.

سال ها قبل از تأسیس حزب نام نهاد "خلق" جاسوس" ک ج ب" بودند). حزب ضد دموکراتیک خلق و ضد رعایت حقوق بشر در سال ۱۹۶۵ ساخته شد، رهبران این حزب جواسیس و دلالان سرمایه دولتی شوروی و میلیغین راه رشد غیر سرمایه داری و تقویه سکتور دولتی با ماسک پرولیتری در افغانستان بودند. "متروخین":

«این رهبران را نخست به دیده اجنت های شوروی، بعداً به دیده افغان های کمونیست مینگرد. زمانیکه تره کی به صفت منشی عمومی حزب برگزیده شد، "ک ج ب" به کمیته مرکزی "ح ک ا ش" اطلاع داد که آن اداره در نظر دارد تا تماس هایش را با اجنتش (تره کی) قطع کند در این اطلاعات آمده بود "در صورتیکه اوضاع به وخامت بگراید و ایجاب ارائه کمک های عملی در امور حزبی را نماید، در آن صورت آن اداره میتواند با نهایت احتیاط تماسهای مخفی را با تره کی بر قرار نماید».

رئیس بخش روابط بین المللی کمیته مرکزی "میلووالف" به جواب "ک ج ب" نوشت: "سوسلوف" عضو بیوروی سیاسی کمیته مرکزی "ح ک ا ش"، "پونوماریف" و "آندروپف" (رهبر ک ج ب، از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۲ بعداً منشی کمیته مرکزی ح ک ا ش) بعد از مطالعه نمودن راپور "ک ج ب" به تاریخ هژدهم فروری ۱۹۶۵ به این نتیجه رسیدند تا "ک ج ب" به تماس هایش با تره کی در امور حزبی ادامه دهد. حتی مضامین جریده خلق توسط روسها تهیه می شده، چنانچه "میتروخین" می نوسد:

"تره کی نظر ریزیدانسی را در مورد این روزنامه جویا شده در خواست نمود تا ریزیدانسی برای روزنامه خلق مقالات و مضامین آماده نماید."

تره کی نقش مدیر استخدام "ک ج ب" را در افغانستان ایفا می کرده، "میتروخین" ادامه می دهد: "تره کی شخصی بود که مردم را رهبری کرده و تعداد زیادی از اجنت ها به واسطه او استخدام شده بودند. به کمک او مظاهره در مقابل سفارت چین در کابل به تاریخ ۲۱ فروری ۱۹۶۷ بر علیه اقدامات تفرقه جویانه چین اجراء شد. یک اعتراضنامه از طرف "کارکران" که در آن از خشم و انزجار دوستان افغانی چینیای ها تذکر بعمل آمده بود، ترتیب داده شده تماس های تلفونی اعتراض آمیزی با سفارت چین صورت گرفت، تره کی شخصاً با سفارت چین تماس تلفونی گرفته و بنا بر درخواست دوستان چینیای اش در کابل: خشم و ناخوشنودی آنها را اظهار داشت. او مضمونی به زبان دری و با دست چپ نامه را نوشت که بعداً به تاریخ ۲۳ فروری توسط یک تن از اعضای "ح د خ" دوکتور صالح (۲) که با بایسکل از مقابل سفارت چین میگذشت به داخل سفارت آن کشور پرتاب گردید. اما تره کی و کارمل این توانایی را نداشتند تا مشترکاً حزب را رهبری نمایند.

ببرک، تره کی را به رشوت خوری، تماس با امریکایی ها، مالک بودن چهار عراده موتر و داشتن ۴۰۰۰۰۰ افغانی در یک بانک پشتون (۳) متهم میساخت. اما ریزیدانسی همان طوریکه در گذشته از ببرک حمایه نموده بود این بار از تره کی حمایه نموده این اتهامات را رد نمود. "ک ج ب" تره کی را منحیث نوکر صادق و اجنت با پاس که اصل راز داری و محرمانیت را رعایت میکرد، می شناخت: «ریزیدانسی در باره تره کی نظر مثبت داشته او را به مثابه یک دوست صدیق و مخلص شوروی، شخصیکه صادقانه با شوروی همکاری می نمود و اصل راز داری و محرمانیت

^۲ممکن صالح محمد زیری باشد.

^۳به احتمال قوی مراد نویسنده «پشتنی تجارتنی بانک» است.

را رعایت میکرد و بالاخره شخصی که یک دوره مأموریت را در سفارت افغانستان در امریکا گذرانده بود می پنداشت».

حزب "دموکراتیک خلق" ارگان تبلیغاتی و مارکیتینگ سرمایه دولتی شوروی بود، رهبران شوروی می توانستند برحسب دلخواه خود هر لحظه آن را منحل نمایند، چنانچه تره کی در گزارشی به "ک ج ب" چنین می گوید:

«اگر رفقای شوروی فکر می کنند که هنوز زمان مناسبی برای ایجاد و فعالیت حزبی مانند "ح د خ" در کشور ما فرا نرسیده پس باید این حزب منحل شده و من باید به خارج کشور مثلاً به هند، سوریه و یا هم سریلانکا رفته سرگرم کار ادبی گردم».

"میتروخین"، ادامه میدهد:

"ح د خ" و نشریه آن هر دو توسط کمیته مرکزی "ح ک ا ش" حمایه مالی می شدند. در سال ۱۹۶۵ برای تره کی مبلغ ۵۰۰۰۰ افغانی برای مبارزه انتخاباتی موصوف در شورای ملی، پرداخته شد.

در اپریل ۱۹۶۵ روز نامه خلق به نشر آغاز نمود. ملاقات بین تره کی و نماینده "ک ج ب" معمولاً یا در داخل یک موتر و یا در محل سکونت یک کارمند "ک ج ب" صورت گرفته، تره کی به شکل مخفیانه به آنجا برده میشد. برای تره کی مبلغ ۱۸۰ روبل معادل ۴۰۰۰ افغانی معاش و تدارک مواد غذایی در نظر گرفته شده بود. به تره کی در سال ۱۹۷۴ رقم تعیین شده ای همیشگی ۵۰۰۰۰ افغانی پرداخته شده بود. برای تره کی نخست به تاریخ ۱۵ مارچ مبلغ ۳۰۰۰۰ افغانی و بعداً به تاریخ ۲۵ می سال ۱۹۷۷ مبلغ ۳۰۲۴۰ افغانی پرداخته شد. «مزد تره کی به طور منظم از طرف "ک ج ب" همواره پرداخته می شد. اما تره کی از طرف شعبه روابط بین المللی کمیته مرکزی "ح ک ا ش"، به طور منظم پول در یافت میداشت. البته این موضوع بدون آگاهی سائر اعضای کمیته مرکزی ح د خ صورت می گرفت. حتی حفیظ الله امین با وجود اینکه دوست نزدیک تره کی بود و کاملاً مورد اعتماد او قرار داشت، در باره فعالیت های ک ج ب او چیزی نمی دانست».

تره کی به تاریخ اول اکتوبر ۱۹۶۸ نامه ای به برژنف فرستاد، و در آن نوشت: "کمک های اقتصادی برای دولت افغانستان به شکل قرضه و خصوصاً تدارک مواد مصرفی مانند شکر و یا پترول باید متوقف گردد. ما طبعاً خواهان قطع فرستادن موادی که باعث رشد و تقویت طبقه کارگر می شود نیستیم. بلکه ما خواهان قطع فرستادن اشیای لوکس استیم زیرا که این اشیاء مورد استفاده طبقه حاکم در کشور قرار می گیرد".

شکر و پترول ضروریات اولیه در یک کشور محسوب می شود، در حالیکه از دید "نابغه شرق" اشیای لوکس محسوس می شود، چه اقتصاد دان بزرگی؟ تره کی ادامه میدهد: "امید وارم به فعالیت های ح د خ که در مطابقت با مارکسیم - لنینیزم قرار دارد و سرگرم مبارزه با ارتجاع و امپریالیزم می باشد، توجه نمایید. ح د خ از همان ابتدا ناشر افکار مارکسیم - لنینیزم در افغانستان بوده است".

به تاریخ ۱۷ اکتوبر ۱۹۷۲ تره کی به ریزیدنسی هشدار داد که داؤد در نظر دارد کودتا نماید. در می ۱۹۷۳ عبدالصمد اظهر (اسم اجنتوری یا رمزی فتح بود) گزارش داد که داؤد آماده کودتاست. اظهار معلومات مفصلی در باره برنامه کودتا ارائه نمود" بعد از کودتای ۱۹۷۳ ک ج ب به تره کی هدایت داد تا افراد وفادار خود را به مقامات بالایی در دستگاه دولت جدید جابجا نماید. " تمامی اعضای کمیته مرکزی و کدرهای حزب، عضو ک ج ب بودند و با اسامی اجنتوری ثبت ک ج ب شده بودند".

لیست جاسوسان ک ج ب با اسامی اجینتوری شان به ترتیب ذیل: نور محمد تره کی اسم اجنتی آن نور، لازم به یاد آورید که اسم اجنتوری تره کی بعد از کودتا اپریل از "نور" به «دیدوف» تعویض گردید، ببرک کارمل اسم رمزی اش: مرید، در ماه اکتوبر ۱۹۷۹ اسم اجنتوری ببرک از مرید به «مارتوف» تعویض گردید، حفیظ الله امین اسم اجنتوری «کاظم»، سید محمد گلابزوی اسم اجنتوری «محمد»، محمد رفیع اسم اجنتوری «نوروز»، قادر اسم اجنتوری «عثمان»، عباس اسم اجنتوریا «ستخبارات»، عبدالصمد اظهر اسم اجنتوری «فتح»، محمود بریالی اسم اجنتوری «شیر»، دستگیر پنجشیری اسم اجنتوری «ریچارد»، جیلانی باختری اسم اجنتوری «رکاس»، شاه محمد اسم اجنتوری «اشپیرس».

کودتای هفت ثور یا ۲۷ اپریل ۱۹۷۸

داؤد در سال ۱۹۷۵ حزب انقلاب ملی را تأسیس و سیستم یک حزبی را با پیروی از اتحاد شوروی اعلام کرد. ریزیدنسی در کابل بر رهبران ح د خ دستور داد تا آنها افراد خود را به حزب داؤد نفوذ دهند تا بدین وسیله بتوانند از داخل آن حزب دست به فعالیت‌های تخریب کارانه بزنند. همچنان به تره کی مشوره داده شد تا او بصورت خاص از احتیاط کار گرفته و از ملاقات‌های غیر ضروری با سایر اعضای کمیته مرکزی خودداری نماید. میتروخین از ترور خیبر قبل از کودتا حرفی به میان نمی آورد.

مرگ خیبر زمینه چینی و انگیزه ای بود برای سرنگونی دولت داؤد. به تاریخ ۲۵ اپریل تره کی، ببرک، شاه ولی و چند تن دیگر از اعضای رهبری حزب توسط دولت افغانستان دستگیر گردیدند. به تعقیب آن ک ج ب و جاسوسان وابسته به آن به تاریخ ۲۷ اپریل دست به کودتا زدند. نظر به یادداشت‌های میتروخین "سازمان دهی کودتا و هم آهنگی کارهای مقدماتی به عهده فقیر معاون حفیظ الله امین گذاشته شد. در این کودتا نقش عمده را لواه‌های ۴ و ۱۵ زرهدار و قوای کماندو بازی میکردند. وظیفه آن‌ها را تسخیر شهر کابل تأسیسات مهم دولتی تشکیل میداد. کودتا چنان از حمایت قوای هوایی و مدافعه هوایی نیز برخوردار بودند. دگروال قادر قومندان قوای هوایی و مدافعه هوایی و معاون آن نظر محمد قوماندان نیروهای کودتا چی را به عهده داشتند".

سید محمد گلاب زوی و محمد رفیع بلا فاصله حادثه کودتا را به ریزیدنسی گزارش دادند. ریزیدنسی این موضوع را ذریعه تلگرام عاجل به مسکو گزارش داد.

تمام جنایاتی که در مدت حاکمیت "حزب دموکراتیک خلق" در افغانستان صورت گرفته است، هدایت دهنده آن ک ج ب و شوروی‌ها بودند، رهبری حزب "خلق" مزدوران بی اراده و درگرو استخبارات اتحاد شوروی قرار داشتند. چنانچه حفیظ الله امین در روز دوم کودتا ثور با یک افسر اوپراتیفی شوروی ملاقات نموده طلب مشوره در مورد ذیل شد:

«آیا بیانیه خطاب به مردم تره کی از طریق رادیو صبح روز ۲۹ اپریل پخش شود یا صبح روز ۳۰ اپریل؟ آیا بیانیه موصوف از آدرس حزب صادر شود و یا از آدرس شورای انقلابی نظامی؟ و بالاخره آیا تره کی صرف رئیس جمهور خوانده شود و یا منشی عمومی و رئیس جمهور به شکل همزمان؟»

ریزدنسی در گزارش خود به مسکو در حمایت امین نوشت:

"امین حامی همیشگی همکاری با اتحاد شوروی و ح ک اش است." وابستگی و چاکری حزب وطن فروش "خلق" به حدی بود که رئیس جمهورش را مسکو تعیین می نماید.

"به تاریخ ۳۰ اپریل بیروی سیاسی کمیته مرکزی حاکم اشرافی یک جلسه به بررسی اوضاع افغانستان پرداخت که نتیجه آن به "ریزدنسی" در کابل نیز فرستاده شد. در این جلسه فیصله شده بود تا با امین ملاقات صورت گرفته به او گفته شود که به باور مسکو باید به زودترین فرصت ممکن در افغانستان دولت جدید ایجاد و شخصی به عنوان رئیس جمهور تعیین گردد. در جلسه مزکور همچنان توافق بعمل آمد تا تره کی رئیس جمهور تعیین شود اما از ذکر این مطلب که نامبرده منشی عمومی کمیته مرکزی حاکم اشرافی نیز می باشد، خودداری شده این موضوع به آینده موکول گردد. هدایات مشابهی به "پوزانف" از طریق وزارت خارجه نیز ارسال گردیده بود.

میتروخین در مورد زندانیان در روزهای اول کودتا چنین می نوسد: "به تاریخ ۶ می «عبدالقادر» از مسکو (طلب مشوره در مورد چگونگی با زندانیان گردید، تعداد زندانیان تا آن زمان از حد ده ها هزار تن گشته بود) ۹ روز بعد از کودتا (محاسب مملو از محبوسین بوده تعداد شان هر روز افزوده می شد. اندروپوف رئیس کج ب، گرومیکو (وزیر خارجه) مشکل یاد شده را با بیروی سیاسی مطرح نمودند. بیروی سیاسی با این پیش نهاد اندروپوف موافقت نمود که آن عده از اعضای کج ب که از گذشته ها ارتباط اجنتوری با قادر (اسم اجنتوری یا رمزی عثمان) داشتند، همراه با دستگیری در مورد چگونگی برخورد با توقیف شدگان، به کابل فرستاده شوند. همچنان تورن جنرال گویوف به ریاست متخصصین شوروی در افغانستان برگزیده شد. عزیزی رئیس استخبارات، به شکل محرمانه چنین گفت: تحقیقات از زندانیان صرف زمانی صورت می گرفت که متهم می توانست اسناد و مدارک ارائه کند و اما متباقی زندانیان به قتل می رسیدند.

بنا بر دستور "عبدالاحد ولسی"، منشی اول کمیته ولایتی ولایت بلخ در ماه می سال ۱۹۷۸ به تعداد نهصد تن از اهالی آن ولایت تحت نام ضد انقلاب دستگیر شدند. باز توقیف شدگان در مزار شریف به زندان افکنده شده، مورد شکنجه قرار گرفته بودند. قرار بود یک هیأت جهت تحقیق در باره فعالیت های ضد انقلابی آنها تعیین گردد. جهت انتقال آنها به کابل در اوسط ماه جون مکتوبی بدانجا ارسال شد. اما در جریان یک محاسبه روشن گردید که تعداد زندانیان کاهش یافته زیرا به تعداد ۵۰ تا ۶۰ تن آنها هر شب در اطراف فرقه ۱۸ پیاده که در شهر مزار شریف موقعیت داشت، تیر باران شده بودند. دستگیر شدگان وادار می شدند تا با دست های خود برای خود قبر حفر کنند". "کدام احصایه که بتواند تعداد دقیق زندانیان را بر ملا سازد نیز وجود نداشت. اما از طریق محاسبه نمودن مصرف مواد این واقعیت نمایان شد که تعداد زندانیان همه روزه بین ۳۰ تا ۷۰ تن کاهش یافته است."

چنین بود جنایات ضد بشری خلق و پرچم در آغاز کودتا ۷ ثور ترور دسته جمعی مردم و نسل کشی، با پیروی از پدر وحشت و ترور سرخ کتلوی لنین و بگور سپردن انسان های بیگناه.

در دوره حاکمیت خلق و پرچم، مصونیت جانی و مصونیت مالی برای مردم وجود نداشت. دارایی افرادی که خودشان و یا خویشاوندان شان دست گیر می شدند، توسط اکسا ضبط شده به فروش رسانیده می شد. اموال ضبط شده بین امین، سروری و اسدالله امین تقسیم می شد. جهت فروش این اموال یک دکان در شهر کابل گشوده شده بود که مفاد آن به جیب امین سرازیر می گردید. همچنان مبلغ چهار میلیون افغانی، ۸۰۰ سکه طلایی نیکولایوف روسی و ۱۲ بکس زیورات زنانه که از نزد اعضای فامیل روحانی سرشناس مجددی، بدست آمده بود نیز به امین سپرده شد. سروری جمعاً مبلغ ۳۰۰ میلیون افغانی به امین داده بود... اشیاء و اجناس قیمتی مربوط خانواده های محمد ظاهر شاه و محمد داؤد نیز به دست امین و نزدیکانش افتاد. در جریان سال ۱۹۷۹ پسر امین با ۱۲۸ کیلوگرام اموال خانواده شاه و محمد داؤد به شکل مخفی به جاپان سفر نمود. "زمانیکه سه وزیر، گلاب زوی، وطنجار، مزدور یار و سروری

به محل مخفی ک ج ب در کارته سه پناهنده شدند، زمانی که موتر آنها تلاشی گردید از آن مبلغ چهار میلیون دو صد بیست هزار افغانی ۵۳۹۵۰ دالر امریکایی بدست آمد. هر سه وزیر از موجودیت پول در موتر اظهار بی اطلاعی کردند و گفتند که پول از آن ها نمی باشد. "ریزیدنسی به این باور بود که پول های مذکور توسط سروری از بودجه اکسا گرفته شده بود. دالر ها به مسکو فرستاده شد و پول افغانی شامل بودجه مصرفی سال ۱۹۷۹ ریزیدنسی ساخته شد.

خوانندگان گرامی! هرگاه شما به سخنان خلقی ها و پرچمی ها در میدیا و سایت های آنها نظر اندازید، آنها می گویند، که اشرار مانع پلان های مثبت ما شدند، آنها فرزندان صدیق مردم بودند، اما قبله گاه آنها یعنی ک ج ب دزدی مال و دارایی مردم، آنها را افشاء می کند.

در جریان نخستین روز های ایجاد رژیم جدید ریزیدنسی بنا به دستور مسکو دست به یک سلسله اقدامات برای دست یابی به آرشیف های وزارت داخله، اداره استخبارات و اداره استخبارات نظامی افغانستان زد. در این عملیات از اجنت هایی که دارای موقعیت های بلندی در ادارات استخبارات بودند مانند عباس (اسم اجنتوری استخبارات) سر پرست ریاست استخبارات نظامی کاد گرفته شد.

در ماه می نخستین گروه مشاوران ادارات استخباراتی شوروی وارد کابل شد. ریاست این گروه را "ل. پ. بوکدانوف" به عهده داشت. در ماه اگست یک نمایندگی ک ج ب در جمهوری دیموکراتیک افغانستان (ج د ا) تأسیس گردید. هدف از ایجاد این نمایندگی، کمک در امر سازماندهی ارگان های جدید استخباراتی و دفاع از رژیم جدید تشکیل بود. در سپتامبر اداره اکسا (د افغانستان د گتو د ساتلو اداره) ایجاد گردید. وظایف این اداره را هدف قرار دادن منافع کشور های غربی، نظارت از سفارت خانه های اضلاع متحده امریکا، ایران، چین و پاکستان، دشوار ساختن شرایط زندگی برای اتباع کشور تشکیل میداد.

زمانی که تره کی در سپتامبر ۱۹۷۹ توسط امین خلع صلاح شد به اجنت ک ج ب "عزیز اکبری" نا امیدانه چنین گفت: «من در انزوا قرار گرفته ام و هیچ نوع قدرتی ندارم که اقدامی نمایم. این صرف مداخله و شفاعت شوروی است که می تواند من را نجات دهد ولی واضحاً که رفقای شوروی نیز مرا نجات نخواهند داد». این جاسوس بالاخره درک کرده بود که وظیفه اش به پایان رسیده و از حمایت ک ج ب بادارش بر خوردار نیست.

ادامه دارد...